



اشاره:

عبارت «ایران و جامعه اطلاعاتی در سال ۱۴۰۰ ش» می‌تواند مفاهیم متعددی داشته باشد و برداشت‌های متفاوتی را نیز به ذهن متبادر کند. اما نزدیک‌ترین برداشت به مفهوم مورد نظر برگزارکنندگان همایشی با این عنوان شاید یافتن پاسخی برای این پرسش باشد که در سال ۱۴۰۰ ه. ش ایران ما در کجای جامعه‌ای که از آن به عنوان جامعه اطلاعاتی یاد می‌شود خواهد ایستاد؟ در پی یافتن پاسخ این پرسش و پرسش‌های دیگر از جمله این‌که ملزومات و زیرساخت‌های ورود به جامعه اطلاعاتی چیست، آیا در ورود به این جامعه مختار هستیم یا ملزم؟ آیا دارندگان صوری اطلاعات همان توانایان هستند؟ آیا جامعه «دانشی محور» مورد ادعای یونسکو با وجود غول‌های بزرگ اطلاعاتی امکان تحقق پیدا خواهد کرد و... در حاشیه همایش پای سخنان تنی چند از استادان و عزیزانی که در این سمینار مقالات خود را ارائه کرده بودند نشستیم، دیدگاه‌های این عزیزان هر چند کوتاه و مختصر در پی می‌آید:

دکتر کاظم معتمدنژاد:

آمادگی، امکانات مالی و افراد متخصص هستند

مدیریت و برنامه‌ریزی درست می‌خواهیم

معصومه محمدپور

امکان‌پذیر نیست، ما دو هدف عمده را در نظر داشتیم، یکی کمک به آینده‌نگری جامعه ارتباطی ایران بر مبنای پژوهشگری، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی که باید مراحل آن طی شود. به این ترتیب که کمک کنیم تا توجه به پژوهش بیشتر سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها بر مبنای درستی انجام شود، در واقع می‌توان از این تحقیقات برای تجزیه و تحلیل و تعیین اهداف برنامه‌های چهارم توسعه در حوزه ارتباطات کمک گرفت.

دکتر معتمدنژاد تأکید کرد: در حقیقت این همایش با هدف بررسی و ارزیابی توانایی‌های کشورمان برای هماهنگی با روند فعلی رایانه‌ای سازی کشورها و حرکت به سوی جامعه اطلاعاتی، تهیه مقدمات ضروری برای پژوهشگری، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی بلندمدت درباره کاربرد ارتباطات در زمینه‌های

این اجلاس، دومین همایش «میان منطقه‌ای کشورهای آسیای مرکزی - غربی و جامعه اطلاعاتی» است که در شهریور سال ۱۳۸۲ تشکیل می‌شود و گزارش آن به کنفرانس یونسکو داده خواهد شد.

به گفته وی «دومین سمینار میان منطقه‌ای کشورهای آسیای مرکزی - غربی و جامعه اطلاعاتی» به کوشش «مرکز پژوهش‌های ارتباطات» دانشگاه علامه طباطبایی و با حمایت بخش ارتباطات و اطلاعات یونسکو در چارچوب هدف‌های «برنامه اطلاعات برای همه» این سازمان و کمک به تدارک نهایی شرکت ایران در کنفرانس عالی سران در ژنو برگزار می‌شود.

استاد دانشگاه علامه طباطبایی همچنین با اشاره به میزان دستیابی همایش اخیر به اهداف از پیش تعیین شده گفت: البته دستیابی به اهداف با سرعت

دبیر علمی همایش «ایران و جامعه اطلاعاتی در سال ۱۴۰۰» در پایان آخرین روز این همایش، این سمینار را در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده نسبتاً موفق ارزیابی کرد.

دکتر کاظم معتمدنژاد در گفت‌وگویی با خبرنگار رسانه گفت: این سمینار در مقایسه با همایش سال گذشته که در سطح منطقه‌ای بود دارای سطحی بالاتر بود که شامل تعداد و محتوای مقالات ارائه شده نیز است.

وی سازماندهی و امور اجرایی همایش اخیر را نیز در سطحی بالاتر از گذشته توصیف و ابراز امیدواری کرد که برای برگزاری سمینار سوم که در سال آینده برگزار می‌شود، شاهد رشد کمی و کیفی بیشتری باشیم.

دکتر معتمدنژاد در ادامه با اشاره به برگزاری سمینار یاد شده در ایران گفت:

مختلف توسعه برگزار شد. دبیر علمی همایش «ایران و جامعه اطلاعاتی در سال ۱۴۰۰» در ادامه با ابراز امیدواری نسبت به این‌که متخصصان حاضر در مراکزی که ارتباط بیشتری با مقوله ارتباطات و جامعه اطلاعاتی دارند، به چنین همایش‌هایی توجه ویژه مبذول دارند تصریح کرد: این همایش باید مورد توجه بیشتری از سوی این متخصصان واقع می‌شود. به هر حال با پیشرفت تکنولوژی ارتباطی، خیلی از وزارتخانه‌ها و نهادها ذینفع هستند و به همین سبب خیلی مناسب بود که این همکاران متخصص هم در سمینار یا حضور یابند یا از گزارش‌ها استفاده کنند.

دکتر معتمدنژاد در پاسخ به پرسشی درباره طرح «تکفا» گفت: ما یک عقب‌ماندگی ۲۰-۳۰ ساله را در اینجا جبران کرده‌ایم. چون از سال ۱۹۷۰ م ژاپنی‌ها پیش‌بینی شرایط جامعه آینده را شروع کردند، کشورهای اروپایی هم در همان زمان و کشورهای جنوب شرق آسیا نیز از دهه ۸۰ م کار خود را آغاز کردند. اما ما حداقل ۱۰-۱۲ سال از کشورهای جنوب شرق آسیا عقب‌تر هستیم.

وی درباره این‌که آیا می‌توان این عقب‌ماندگی‌ها را سریع، جبران کرد؟ گفت: فکر می‌کنم آمادگی‌های زیادی در ایران در این زمینه وجود دارد چون امکانات مالی وجود دارد و افراد متخصص را هم خوشبختانه داریم؛ اگر مدیریت صحیح و سیاستگذاری و برنامه‌ریزی درست هم باشد، حتماً می‌توان به موفقیت دست یافت چنانچه در زمینه مخابراتی ما شاهد پیشرفت‌های زیادی بوده‌ایم.

استاد دانشگاه علامه طباطبایی، در بخش دیگری از این گفت‌وگو با اعلام این‌که به زودی دانشکده علوم ارتباطات به شکل مجزا تشکیل خواهد شد گفت: در این دانشکده سه رشته روابط عمومی، روزنامه‌نگاری و مطالعات ارتباطی و

اقتصادی و بازرگانی قرار گرفته است اظهار کرد: خیلی‌ها معتقدند که یا جامعه ارتباطی باید تشکیل شود یا جامعه معرفتی یا دانایی محور.

دکتر معتمدنژاد در پاسخ به این پرسش که آیا با وجود قدرت‌های مسلط حتی در جهان اطلاعاتی، ایران حرفی برای گفتن خواهد داشت تصریح کرد: تبادل اندیشه، تحقق دموکراسی متمایل به معنویت و تأمین آزادی بیان در یک جامعه آزاد می‌توانند انجام شوند یا همین طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها؛ این طرح‌ها همه می‌توانند در نیایی که همواره مورد تهدید است موجبات پیشرفت را فراهم کنند؛ در کنفرانس سران هم البته کشورهای قوی و کمپانی‌های بزرگ سعی می‌کنند شرایطی را فراهم کنند که منافع خودشان تأمین شود، اما کشورهای مستقلی مثل ایران می‌توانند سعی کنند حرف‌های مهمی داشته باشند.

وی تصریح کرد: رویکرد کشورهایی مثل ایران باید در راستای حمایت از کشورهای در حال توسعه، مقابله با شکاف دیجیتال و در راستای اعمال آرمان‌های نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات که در یونسکو تعقیب می‌شود، باشد.

دکتر معتمدنژاد، اعمال مدیریت صحیح، وضع قوانین مورد نیاز و تجهیز دانشگاه‌ها را از عوامل موفقیت در این زمینه دانست و گفت: در نبود فضای دموکراسی و آزادی بیان پیشرفت‌ها کند خواهد بود؛ متصدیان امر نیز باید بدانند که معایب این تکنولوژی‌ها در مقایسه با محاسن آن کم است و برای مقابله با آنها نیز راه‌های مناسبی وجود دارد.

وی در پایان توجه ویژه وسایل ارتباط جمعی به مقوله جامعه اطلاعاتی را خواستار شد و اظهار کرد: وسایل ارتباط جمعی باید توجهات را به سوی جبران عقب‌ماندگی‌ها در این بخش معطوف کنند. □

■ دکتر کاظم معتمدنژاد دبیر علمی همایش «ایران و جامعه اطلاعاتی در سال ۱۴۰۰»: یونسکو جامعه اطلاعاتی را یک مرحله مقدماتی و وسیله‌ای برای رسیدن به جامعه معرفتی می‌داند که آن جامعه نیز یک وسیله است برای ایجاد جوامع بهتر.

فناوری اطلاعات تدریس خواهد شد؛ تدریس این رشته نیز به شکل ویژه به ایجاد شرایط جدید در راه بهبود وضعیت فناوری ارتباطات کمک می‌کند.

دکتر معتمدنژاد ابراز امیدواری کرد که این دانشکده در سال آینده، کار خود را آغاز کند.

وی پیش‌بینی کرد که در دوره کارشناسی ارشد نیز علاوه بر رشته‌های روزنامه‌نگاری و روابط عمومی، کارشناسی ارشد مطالعات، فناوری ارتباطات را هم داشته باشیم.

دبیر علمی همایش ایران و جامعه اطلاعاتی در سال ۱۴۰۰ در ادامه با اشاره به تفاوت‌های جامعه اطلاعاتی و معرفتی گفت: یونسکو جامعه اطلاعاتی را یک مرحله مقدماتی و وسیله‌ای برای رسیدن به جامعه معرفتی می‌داند که آن جامعه نیز یک وسیله است برای ایجاد جوامع بهتر.

دکتر معتمدنژاد با بیان این‌که معمولاً مفهوم جامعه اطلاعاتی مورد سوءاستفاده

دکتر نجفقلی حبیبی:

بنیه ذاتی ما برای ورود به جامعه اطلاعاتی خوب است

■ دکتر نجفقلی حبیبی رئیس دانشگاه علامه طباطبائی: یکی از اهداف همایش ایران و جامعه اطلاعاتی این است که بتوانیم چالش‌های موجود در مبحث جامعه اطلاعاتی را بشناسیم، راه‌حل‌های آن را ارائه کنیم و بالاخره بدانیم که اصولاً جایگاه ما در کجاست.

اگر نادانسته و بدون اطلاعات و شناخت، به جامعه اطلاعاتی وارد شویم، هویت ملی و فرهنگی خود را در معرض آسیب قرار می‌دهیم.

دکتر نجفقلی حبیبی، رئیس دانشگاه علامه طباطبائی با بیان این مطلب و با اشاره به این که ایران باید در سال آینده در اجلاس سران در ژنو شرکت کند گفت: یکی از اهداف این همایش این بود که بتوانیم چالش‌های موجود در مبحث جامعه اطلاعاتی را بشناسیم، راه‌حل‌های آن را ارائه کنیم و بالاخره بدانیم که اصولاً جایگاه ما در کجاست.

وی گفت: ما می‌خواهیم در یک محیط علمی این مسأله را به دور از جنجال‌های سیاسی بررسی کنیم.

رئیس دانشگاه علامه طباطبائی با بیان این که مبحث مربوط به جامعه اطلاعاتی در حال حاضر در رأس تحركات اجتماعی جهان قرار گرفته است اظهار کرد: هر کشور و ملتی باید بتواند از این نعمت به خوبی استفاده کند و خود را در معرض آن قرار دهد البته با ملاحظات فرهنگی که دارد.

دکتر حبیبی در عین حال با اشاره به برخی از معایب ورود به این جامعه از جمله حرکت به سوی یکسان سازی تصریح کرد که اگر نادانسته در این وادی قدم بگذاریم ممکن است شاهد آسیب دیدن فرهنگ و هویت ملی خود باشیم،

پس ورود آگاهانه به این عرصه، یکی از الزامات ماست.

دکتر حبیبی اظهار کرد که بحث و بررسی‌های انجام شده در همایش ایران و جامعه اطلاعاتی در سال ۱۴۰۰ در واقع در راستای بررسی توانایی‌ها و ضعف‌های ما برای ورود به این سپهر است.

وی در پاسخ به این پرسش که دست ما برای ورود به این عرصه چقدر پر است و آیا ملزومات این ورود را فراهم کرده‌ایم، اظهار داشت: اولین پیش‌شرط ورود، این است که ببینیم که هستیم و چه می‌خواهیم. این بحث‌ها هم تا حد زیادی این جایگاه را مشخص می‌کنند؛ در این راستا اگر معتقدیم که می‌توانیم وارد این عرصه شویم باید نیروی انسانی متخصص را تربیت کنیم و تکنولوژی خود را نیز تجهیز کنیم.

البته بنیه کشور ما در همه این عرصه‌ها خوب است، فقط یک اراده ملی باید به وجود بیاید و برنامه‌ریزی شود.

رئیس دانشگاه علامه طباطبائی در ادامه درباره نقش دانشگاه‌ها به ویژه دانشگاه تحت مدیریت خود در این عرصه گفت: همین دانشگاه خود برای برگزاری همایش پیشگام شده است، دانشگاه مرکز تحقیقات ارتباطات را راه‌اندازی کرده است که به زودی نتایج فعالیت‌های آن اعلام می‌شود، همچنین گروهی به نام تحقیقات

فناوری یا "IT" پیش‌بینی شده که به شکل رسمی خبر آن اعلام خواهد شد؛ اینها همه تلاش‌هایی است که برای فراهم شدن زمینه‌های تربیت نیروی انسانی و تجهیز بخش مطالعاتی و فنی انجام شده است.

دکتر حبیبی همچنین درباره نحوه تعامل دانشگاه‌ها با نهادها و مراکز دولتی تصمیم‌گیر در حوزه اطلاع‌رسانی گفت: بله، گرچه هنوز مراحل عملی آن تحقق نیافته است اما گفت‌وگوهای انجام شده و آنها به ما قول داده‌اند که همکاری‌هایی داشته باشند، البته تا رسیدن به مرحله عمل خودشان مشکلاتی داشته‌اند.

وی گفت: معاونت فناوری وزارت علوم مأمور است در همین راستا از طریق شورای عالی اطلاع‌رسانی امکانات این حوزه را در اختیار دانشگاه‌ها قرار دهد.

دکتر حبیبی همچنین با اشاره به این که جامعه اطلاعاتی مانند ظرفی است که هر کسی ممکن است هر چیزی را داخل آن بریزد گفت: ایجاد این جامعه، تنظیم و کنترل را نیز طلب می‌کند، پس باید قوانین مناسب در این عرصه نیز تدوین شوند. در دانشگاه ما نیز مطالعاتی در مورد حقوق اینترنت و مباحث جامعه اطلاعاتی در حال انجام است. البته فکر می‌کنم در مرحله عمل مشکلات بهتر مشخص می‌شوند و حقوق‌دان‌ها هم بهتر می‌توانند راه‌حل ارائه کنند. □

رئیس دانشکده روزنامه‌نگاری دانشگاه ملی تاجیکستان:

جهان به سوی برخورداری از یک عرصه اطلاعاتی یگانه حرکت می‌کند

■ دکتر اسدا... سعدا... اف، رئیس دانشکده روزنامه‌نگاری دانشگاه ملی تاجیکستان: در آینده نزدیک، جامعه جهانی به سوی برخورداری از یک عرصه اطلاعاتی یگانه حرکت می‌کند و این، یک امر حتمی و گریزناپذیر است.

رئیس دانشکده روزنامه‌نگاری تاجیکستان می‌گوید: به نظر می‌رسد شکاف کشورهای شمال و جنوب تا مدت زمان معینی تداوم خواهد داشت چرا که سرمایه، کار خود را می‌کند و کشورهای فقیر قدرت برابری با جهان پیشرفته را ندارند؛ از این منظر، ضعفای اقتصادی باید تلاش کنند با داراها برابری کنند اما در این راستا باید از کمک همسایگان و دوستان خود بهره بگیرند. چنانچه ایران و تاجیکستان نیز می‌توانند در پیمودن این راه همدیگر را یاری کنند.

دکتر سعدا... اف در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به فعالیت شبکه‌های اینترنتی معتقد است که این شبکه‌ها علیرغم تنوع و تکثرشان نمی‌توانند تمام جمعیت‌های انسانی را فرا بگیرند. وی اضافه می‌کند: گذشته از این، اطلاعات موجود در اینترنت، اطلاعات سرد و خشک است که تأثیر روحی و روانی ندارند. لذا می‌توان گفت که اینترنت تنها برای بالابردن سطح اطلاعات خوب است و نمی‌تواند جای دنیای روح و روان و ارتباطات چهره به چهره را بگیرد. □

تهیه و پخش می‌شوند. وی می‌افزاید: دانشکده روزنامه‌نگاری و مترجمی که من رئیس آن هستم با چندین دانشکده و دانشگاه دیگر رابطه اطلاعاتی دارد. که از آن جمله می‌توان به دانشکده ارتباطات در ایران، دانشگاه‌های مسکو و تاشکند و سن پترزبورگ اشاره کرد؛ دانشجویان نیز به شبکه‌های اینترنتی دسترسی دارند.

دکتر سعدا... اف با بیان این‌که هنوز در جهان، جامعه اطلاعاتی به معنای واقعی شکل نگرفته است، معتقد است: جهان در حال حرکت به سوی جامعه اطلاعاتی است چرا که سطح همه کشورهای یکنواخت نیست.

وی می‌گوید: انحصار اطلاعات هنوز هم وجود دارد و بسیاری از کشورها از جمله تاجیکستان باید با واسطه‌های خبری اخبار را اخذ کنند، البته آنها وظیفه بیشتری برای حل این مشکل دارند.

وی در عین حال تصریح می‌کند که به هر حال در آینده نزدیک، جامعه جهانی به سوی برخورداری از یک عرصه اطلاعاتی یگانه حرکت می‌کند و این، یک امر حتمی و گریزناپذیر است.

دکتر اسدا... سعدا... اف، رئیس دانشکده روزنامه‌نگاری دانشگاه ملی تاجیکستان معتقد است که ایران و کشور او می‌توانند در ورود هر چه بهتر به جامعه اطلاعاتی، یکدیگر را یاری کنند.

وی که به عنوان میهمان در «همایش ایران و جامعه اطلاعاتی در سال ۱۴۰۰» شرکت کرده است جامعه اطلاعاتی را عرصه‌ای می‌داند که اخبار و اطلاعات در آن، تمامی مردم را فرا بگیرد و تمامی مراکز رسمی و غیررسمی در پیوندی با یکدیگر باشند که عامل آن اطلاعات است.

دکتر سعدا... اف با ضعیف ارزیابی کردن جامعه اطلاعاتی تاجیکستان با اشاره به این‌که در این کشور آسیای میانه هنوز تجهیزات الکترونیکی امروزی به‌طور کامل مستقر نشده‌اند می‌گوید که رسانه‌ها خبری به دلیل قلت تیراژ و شمارگان نمی‌توانند تمامی مردم را فرا گیرند.

به گفته این استاد دانشگاه، در تاجیکستان، اطلاعات به وسیله مرکز خبری «خاور» و پنج آژانس خبری پخش می‌شوند که در آنها اخبار داخلی و خارجی

دکتر تاجیک:

بازیگران جامعه اطلاعاتی از قلمرو ملی به

عنوان گستره تدبیر خود غافل نشوند

دکتر محمدرضا تاجیک، مدرس دانشگاه شهید بهشتی و رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری نیز که یکی از ارائه‌کنندگان مقاله در «همایش ایران و جامعه اطلاعاتی ۱۴۰۰» است، در گفت‌وگویی با رسانه به پرسش‌های ما پاسخ داده است.

وی در آغاز این گفت‌وگو، ۱۵ شناسه و شاخصه جامعه اطلاعاتی را به ترتیب زیر برشمرد:

۱. تولید و توزیع اطلاعات انبوه و مبادله مجموعه‌ای از معانی در ارتباطات؛
۲. گشتاوری لحظه‌ای امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سطح جهانی؛
۳. تسهیل و تسریع در فرایند وحدت اقتصادهای ملی و منطقه‌ای؛
۴. دگرگونی ویژگی‌های «زمان» و «مکان»؛

۵. کاهش اهمیت معنا، به تعبیر بودریار (اکنون اطلاعات افزون و افزون‌تر و معنای آن کم و کمتر شده است)؛

۶. پدیدار شدن جهانی مبتنی بر شبیه‌سازی‌های صرف (جهان مدل‌ها، کدها و جهان دیجیتالی) و یا به تعبیر بودریار «جهان حاد واقعیت» یا «جهان وانموده». به بیان دیگر، ما در حال ورود به عصر «نمایش» هستیم. عصری که در آن مردم ساختگی بودن نشانه‌های قابل ارسال را می‌فهمند و عصری که در آن غیراصیل بودن نشانه‌هایی که مردم خود آنها را به وجود می‌آورند، پذیرفته می‌شود؛

۷. کالایی‌سازی اطلاعات؛

۸. گسترش عناصرکنترل اجتماعی (از رهگذر تبدیل جوامع به جوامع پناپتیکن یا سراسرین)؛

۹. تبدیل «کار و سرمایه» به عنوان اصول محوری جامعه به «دانش نظری»؛

۱۰. تبدیل قدرت و تهدیدات

سخت‌افزاری به قدرت و تهدیدات نرم‌افزاری؛

۱۱. فروپاشی فراروایت‌ها

و فراگفتمان‌ها؛

۱۲. درهم شکسته شدن روتین‌های نهادی خشک به وسیله زلزله ارتباطات الکترونیک و تجزیه آنها به روتین‌های جدید؛

۱۳. شیشه‌ای شدن دیواره‌های جغرافیایی و معرفتی؛

۱۴. به مخاطره افتادن وحدت‌ها و همگرایی‌های ایدئولوژیک؛

۱۵. جایگزینی اقلیت‌های علاقه‌مند و مستمسک به میکروفون‌ها به جای

استعاره «برادر بزرگ» ارول که بر همه سلطه دارد (به تعبیر واتیمو «متکنر سازی غیرقابل مقاومت»)

دکتر تاجیک معتقد است در این شرایط می‌توانیم زمینه‌ها و زیرساخت‌های ورود به چنین جامعه‌ای را عبارت بدانیم از:

۱. فراهم آوردن تمهیدات و سازوکارهای لازم برای تبدیل فوری ایران از یک مصرف‌کننده اطلاعات به یک

تولیدکننده اطلاعات؛

۲. افزایش استعداد ساختاری و مدیریتی نظام برای مهار تهدیدها و بهره‌بردن از فرصت‌های ناشی از ورود به جامعه اطلاعاتی؛

۳. تعریف و یا باز تعریف چارچوب‌ها و معیارهای نظری و معرفتی (ایدئولوژیک، فرهنگی) مواجهه و مقابله با پدیده‌های بدیع از جمله جامعه اطلاعاتی و شاهرهای اطلاعاتی؛

۴. تدوین قوانین لازم در این زمینه؛
۵. فراهم آوردن بسترها و سازوکارهای آموزشی و پژوهشی با هدف تقویت بنیه جامعه برای ورود مناسب به جامعه اطلاعاتی.

دکتر تاجیک به دیگر پرسش‌های رسانه به این ترتیب پاسخ می‌گوید:

■ آیا در زمان و شرایطی که هنوز عصر صنعتی را تجربه نکرده‌ایم، می‌توانیم با اطمینان خاطر وارد جامعه اطلاعاتی شویم؟

سخت است اما گزینه دیگری نداریم. چنانچه از یاسپرس بپذیریم که در شرایط کنونی: «ما در آستانه تحول تاریخی بزرگی قرار داریم، دیگر برون‌وجود ندارد. جهان به هم نزدیک شده است. یک زمین واحد داریم، در این فضا تهدیدها و فرصت‌های تازه، رویداد گرفته است. تمامی مسائل ضروری ما صبغه جهانی دارد. موفقیت فعلی ما، بشری (و نه ملی) است»، دیگر نمی‌توانیم خود را تافته‌ای جدا بافته از این جامعه اطلاعاتی و ارتباطی به هم فشرده، تعریف و تصویر کنیم. در این شرایط که «ریز پردازنده‌های توانمند» پیشقراول یک «تمدن سیلیکونی» شده‌اند، نوآوری‌های تکنولوژیک موجب نوعی «ویرانی آفرینشگر» شده‌اند و مرزها شیشه‌ای‌اند و از ورای آنان فرهنگ‌های سایر ملل به طور موازی دیده می‌شوند و اصالت، استقلال و زلالی فرهنگ‌های بومی مورد مخاطره



■ **دکتر محمدرضا تاجیک،**
مدرس دانشگاه شهید بهشتی
و رئیس مرکز بررسی‌های
استراتژیک ریاست جمهوری:
جامعه ایرانی نمی‌تواند به
دور خود دیواری به بلندای
دیوار چین کشیده و از فرایند
همسان‌سازی و ناهمگون
سازی و یا خرد کردن هویت‌ها
که در متن و بطن «جامعه
اطلاعاتی» نهفته است، خود را
برهاند.

قرار گرفته‌اند، جامعه ایرانی نمی‌تواند به دور خود دیواری به بلندای دیوار چین کشیده و از فرایند همسان‌سازی Homogenization و ناهمگون‌سازی Heterogenization و یا خرد کردن هویت‌ها Fragmentation of Identities که در متن و بطن «جامعه اطلاعاتی» نهفته است، خود را برهاند. در زمانه‌ای که به تعبیر دانیل بل، دولت-ملت برای حل مسائل بزرگ زندگی، بسیار کوچک و برای حل مسائل کوچک زندگی بسیار بزرگ شده است؛ فرهنگ دارای ویژگی «بارز عینی» بودن شده و همچون الگوهای پیشین «ناکجاآبادی» نیست؛ میزان وابستگی ما به سایبرسپیس در بسیاری از جنبه‌های حیاتی خود، با سرعت بیشتری از میزان آگاهیمان از این محیط رشد یافته؛ تکنولوژی اطلاعاتی و شبکه‌های الکترونیکی، ماهیت دکترین‌ها، آموزه‌ها و کنش‌های سیاسی - امنیتی را متحول کرده و شبکه‌های الکترونیکی با

رخنه در تمام زوایای یک نظام سیاسی، الزامات جدیدی را برای بقاء آن به عنوان یک جامعه یا هستی سیاسی تحمیل می‌کنند، جامعه ایرانی می‌باید تمهید و تدبیری برای ورودی اصولی و آگاهانه به جامعه اطلاعاتی بیندیشد.

در این شرایط، مانایی و پویایی جامعه ایرانی، سخت در گرو تمهیدات و تدبیرهای نظری و عملی است که برای مواجهه، انطباق و تعامل دو «دنیا»ی درون و برون (و یا مکان و زمان) ضروری به نظر می‌رسد. به بیان دیگر و با برداشتی آزادانه از آراء میشل فوکو، تنها زمانی می‌توان به موفقیت جامعه ایرانی در تأمین و حفظ منافع خود امید داشت که استعداد سازگار کردن این دو جهان به ظاهر ناسازگار وجود داشته باشد. در این شرایط، نباید خود را اسیر منطق تک خطی بودگی تاریخ (به تعبیر واتیمو) کرده و شرایط خود را با شرایط چند قرن پیش غربیان قیاس کنیم و برای رسیدن به جامعه اطلاعاتی بکوشیم راه طی شده توسط انسان غربی را بییماییم. چنین منطقی اساساً قابل دفاع نیست، اگر هم باشد، شرایط متحول ما اجازه اندیشیدن به چنین رویکردهایی را نمی‌دهد. اکنون فقط باید کاروان در راه را دریافت.

■ سال‌ها از ورود اینترنت و ماهواره به دنیای ارتباطات، می‌گذرد اما ما تکلیف خود را با این پدیده‌ها روشن نکرده‌ایم، در این صورت چگونه خواهیم توانست عضوی از این جامعه اطلاعاتی باشیم؟ ما ایرانیان معمولاً عادت به «تعطیلات‌های تاریخی» متعدد و مستمر داریم. دست‌کم تاریخ چند قرن اخیر ما گواه آن است که انسان و جامعه ایرانی دقیقاً در هنگامه تحولات تاریخی در تعطیلات به سر می‌برده است. آنگاه نیز که خرامان خرامان از تعطیلات برگشته‌ایم، در میوه‌های باغ دیگران طمع کرده و خواسته‌ایم که ره صدساله را یک روزه



بیماییم. آن زمان هم که در تعطیلات تاریخی به سر نمی‌بریم در نوعی تعطیلات روانی می‌زیم. بدین معنا که در فصل برگزاری بازار کالاهای بدیع، چون از ناشناخته‌ها نوعی هراس داریم، دور و بر بازار آفتابی نمی‌شویم، اما وقتی که چندی از تعطیلی بازار گذشت تازه احساس نیازمان گل می‌کند و به سوی بازارهای مکاره و سیاه راه می‌افتیم تا آن را به قیمت‌های بسیار گزاف تر بخریم. این بار اگر دستمان به کالای مزبور برسد با ولع تمام و نجویده آن را می‌بلعیم و البته معمولاً سوءهاضمه پیدا می‌کنیم، اما چه کنیم که ترک عادت نیز موجب مرض است.

بهرتر بگویم، ما آن نابهنگام بهاریم که به دی می‌شکفیم. دوست می‌داریم در تمامی زمینه‌ها بی‌همتا باشیم. اگر دیگران فصل بهار را برای شکفتن انتخاب کنند، ما زمستان را برمی‌گزینیم. نتیجه چنین انتخابی معلوم است. بعضی از ما نیز اساساً بر این تصورند که «تعلل ما از سر تأمل و تدبر ماست»، اما دریغ از حاصلی. آنگاه که ما می‌توانستیم در سرزمین مجازی و بی‌ارباب و بی‌قیمت اطلاعاتی و ارتباطی تکه زمین مرغوبی را به خود اختصاص دهیم، در خم کوچه این‌گونه تأمل‌ها و تدبیرها (۱۹) گرفتار آمده بودیم، و آنگاه که این سرزمین صاحب پیدا کرد و قیمت‌ها سرسام‌آور بالا رفت، از خلسه تأملات ژرف خود رها شدیم. اما دیگر خیلی دیر شده بود و بسیاری از فرصت‌ها تبدیل به تهدید شده بودند.

اکنون نیز نباید در روان‌پریشی ناشی از فرصت‌های بریاد رفته گذشته، زانوی غم به بغل بگیریم و در موضع انفعال و ناامیدی باقی بمانیم تا فرصت‌های آینده نیز از دست برود. به سرعت تکلیف خود را با پدیده‌های جدید و مقتضیات عصر و دنیای جدید روشن کنیم. باید از هم‌اکنون برای مواجهه اصولی با پدیده‌های بدیع و ناشناخته دیگری که در راهند، آماده شویم.

■ جامعه ایرانی باید نسبت به نابرابری‌های عمیق اجتماعی و اقتصادی مرتبط با رشد تکنولوژی‌های الکترونیکی و استعداد بسیار عظیم

تکنولوژی‌های جدید برای کنترل اجتماعی آگاه باشد.

■ در این شرایط، مانایی و پویایی جامعه ایرانی، سخت در گرو تمهیدات و تدبیرهای نظری و عملی است که برای مواجهه، انطباق و تعامل دو «دنیا»ی درون و برون (و یا مکان و زمان) ضروری به نظر می‌رسد.

■ ایران برای این‌که در چنین جامعه‌ای، از قالب مصرف‌کننده صرف اطلاعات خارج شود و خود به تولید اطلاعات بپردازد، چه باید بکند؟

جامعه ایرانی، نخست، باید آگاهانه بپذیرد که در جهان اطلاعاتی کنونی، مانایی و پویایی نظام سیاسی و سیستم اجتماعی‌اش سخت در گرو توانایی و استعداد انطباق با مقتضیات بی‌بدیل کنونی است. تحولات ژرف و گسترده فوق، انسان و جامعه ایرانی را در مقابل یک «سرمشق» تاریخی قرار داده که سرشار از «اسنادها» و «گشایش‌ها»، «گسست‌ها» و «پیوست‌ها»، «گشت‌ها» و «بازگشت‌ها»، ... است. در دنیای کنونی، فناوری اطلاعاتی به مهم‌ترین عامل تولید، رقابت‌پذیری، رشد اقتصادی و حضور در بازارهای جهانی تبدیل شده است، اما از رهگذر قوت بخشیدن به نیروهای مرکزگرای، جهان‌گرا و بازیگران متعدد دیگر، در چهره مهم‌ترین ابزارهای به

چالش طلبی مرزهای سیاسی قلمرویی، و مرزهای معرفتی و هویتی ظاهر شده است. بنابراین، باید به دقت به احصاء تهدیدات و فرصت‌های ناشی از شرایط جدید پرداخته و در پرتو آن، چارچوب استراتژی‌های مواجهه و مقابله مناسب را ترسیم کند.

دوم، باید بپذیرد که انفجار اطلاعات و جهانی شدن، جهان را در قالب یک شهر کوچک خلاصه کرده که تمامی گستره آن توسط چشم‌های نظارتی مستقر در یک برج دوار قابل مشاهده و کنترل است. به تعبیر کاستلز، ما در هزاره سوم با پشت سر گذاشتن «عصر ارتباطات» و ورود به «عصر اطلاعات»، وارد فضایی می‌شویم که در آن کل جهان به مثابه یک اندامواره واحد و تمامی افراد، مؤسسات و واحدهای سیاسی، به عنوان اجزای این تنواره متجلی می‌شوند. به بیان دیگر، آنچه وجود واقعی دارد «شبکه‌ای» است که همگان جزئی از آن هستند. در این جامعه شبکه‌ای، هر فرد می‌تواند به مثابه چشم قدرت نقش آفرینی کند در این شرایط، باید اندیشید که چگونه می‌توان «اندامواره ملی» خود را از گزند چشم‌های قدرت متکثر و شبکه‌ای محفوظ نگاه داشت و در عین حال، از مواهب این پیوند جهانی بی‌نصیب نماند.

سوم، باید نسبت به نابرابری‌های عمیق اجتماعی و اقتصادی مرتبط با رشد تکنولوژی‌های الکترونیکی و استعداد بسیار عظیم تکنولوژی‌های جدید برای کنترل اجتماعی آگاه باشد. از نظر بسیاری، جامعه اطلاعاتی جهانی، راهی دیگر برای گرفتن منابع از کسانی است که بیشترین نیاز را به آنها دارند. نباید ایده پوستر را مبنی بر این‌که اشکال جدیدی از سلطه ممکن است در حال ایجاد باشند، به راحتی نادیده گرفت، باید «اشکال جدید» را به دقت کاوید. با توسعه رسانه‌های گروهی متکی بر تکنولوژی جدید، ممکن

صحیح‌تر در مورد آن امکان‌پذیر شده و در نهایت توانایی کنترل ما فزونی خواهد یافت.

در این شرایط، باید به «کمینه‌سازی حوزه امنیتی» (و نه لزوماً «تقلیل حساسیت‌های امنیتی») پرداخت. به بیان دیگر، برای برخورد اصولی با جامعه اطلاعاتی کنونی باید «امنیت کمتر، سیاست بیشتر» را در دستور کار خود قرار داد. وظیفه اساسی ما، به تعبیر آگبرت جان Egbert Jhan... این است که «دریابیم چگونه می‌توان تهدیدهای ناشی از جامعه اطلاعاتی را به چالش‌ها تبدیل کرد و تحولات را از سپهر ترس زیستی و صیانت ذات به سپهری منتقل کرد که در آن بتوان با ابزارهای عرفی و معمولی نظیر سیاست، اقتصاد، فرهنگ و نظایر آن، با آنان مواجه شد.» برای تحقق این وظیفه باید پذیرفت که:

الف) پدیده جامعه اطلاعاتی یک «واقعیت جهانی» است که استعداد آفرینش دنیایی «مجازی» را دارد؛
ب) این پدیده ترکیبی از «تهدیدات» و «فرصت‌ها» است؛

ج) مقابله با تهدیدات این پدیده و بهره‌جستن از فرصت‌های آن، صرفاً از رهگذر شناخت دقیق و علمی آن و اتخاذ استراتژی‌های همگون (نرم‌افزاری، تکنولوژیکی - ارتباطاتی) ممکن است؛
چهارم، باید در این گفته دانیل پل تأمل و تعمق کرد که در جامعه ماقبل صنعتی، زندگی «بازی بر علیه هستی» است. در عصر صنعتی، زندگی «بازی بر علیه هستی مصنوعی است». برعکس این دو، زندگی در یک «جامعه فراصنعتی» بازی میان اشخاص است. در اینجا «آنچه به حساب می‌آید، اطلاعات است». بنابراین، باید پذیرفت که در جهان کنونی، ایرانی صرفاً زمانی امکان تأمین و تحفیظ منافع ملی خود را دارد که از طبیعت، ماهیت و قواعدبازی میان اشخاص و جوامع آگاه



■ تاریخ چند قرن اخیر ما گواه آن است که انسان و جامعه ایرانی دقیقاً در هنگامه تحولات تاریخی در تعطیلات به سر می‌برده است.
■ جامعه ایرانی باید بپذیرد که انفجار اطلاعات و جهانی‌شدن، جهان را در قالب یک شهر کوچک خلاصه کرده که تمامی گستره آن توسط چشم‌های نظارتی مستقر در یک برج دوار قابل مشاهده و کنترل است.

است اشکال بسیار خطرناکی از قدرت پدیدار شوند، اما در عین حال، ممکن است آن چیزی که ظاهر می‌شود، قدرت پراکنده و متفرق نیز باشد.

امروزه ارتباطات به عنوان عنصر مرکزی فرایند اجتماعی در حکم سلسله اعصاب حکومت است که تمام بخش‌ها و عناصر مختلف جامعه را به هم پیوند می‌دهد. تا آنجا که هرگونه اختلال در بخشی از آن به منزله تضعیف یا حذف کنترل دولت در همان بخش خواهد بود. بر همین مبنا اگر سیاست را به عنوان یک «نظام» در نظر بگیریم، کنترل آن بر محور ارتباطات می‌چرخد، و توانایی دولت برای کنترل، با توانایی آن در برخورد با اطلاعات مرتبط است. در حقیقت، ارتباطات و کنترل ملازم همدیگرند و برقراری ارتباط همیشه به منزله کنترل کردن است. در واقع، هر اندازه که اطلاعات ما نسبت به پدیده‌ای بیشتر باشد، شناخت ما نیز از آن کاملتر بوده و بنابراین پیش‌بینی

بوده و قادر باشد از «اطلاعات» به مثابه یک مؤلفه قدرت برتر برای نیل به اهداف سلبی و ایجابی خود بهره جوید.

پنجم، باید واقع بینانه بپذیرد که انفجار یا انقلاب اطلاعات در سه حوزه «فرهنگی»، «هنجاری» و «هویتی» تحولات بنیادینی را دامن زده است که به طور قطع مبانی فلسفی «امنیت هستی شناختی» آن را به چالش فرا خوانده و آینده‌های متفاوت و مبهم را فرارویش تصویر کرده است.

برای برون رفت از این وضعیت، باید باور کند که «آینده همان ساختن است». اما توصیف آینده به عنوان «قلمرو امکان» را نباید به این معنا فرض کند که قدرت نامحدودی برای خلق رویاهای خود دارد. بلکه چنین توصیفی باید او را در موقعیت ملوانی قرار دهد که همزمان باید وزش باد را پیش‌بینی کند و در همان حال عجله کند که به نقطه امنی برسد. و باید اعتقاد داشته باشد که «آینده» در زمان «گذشته» و «حال» مخفی است. به تعبیر بودا، «ما همان چیزی هستیم که انجام داده‌ایم و آنچه خواهیم بود که اکنون انجام می‌دهیم».

ششم، همگان باید بر این اصل گردن نهند که «هیچ راه برون رفتی از شرایط موجود، نیست که وضعیت موجود را به چالش نکشد، حتی اگر به این نتیجه منتهی شود که وضعیت موجود بهترین حالت ممکن است.» بنابراین، از به چالش کشیده شدن بسیاری از بت‌های ذهنی و هنجارهای رفتاری و حصارهای ساختاری و باید و نبایدهای مدیریتی هراسی نداشته باشند و قبل از آنکه جامعه اطلاعاتی جهانی بی‌اجازه آنان وارد حریم‌شان شود و حرمتی باقی نگذارد، برای مواجهه اصولی با آن خود را آماده کنند.

■ تصدی‌گری دولت (با تدوین طرح تکفا) در این امر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟



■ امروزه ارتباطات به عنوان عنصر مرکزی فرایند اجتماعی در حکم سلسله اعصاب حکومت است که تمام بخش‌ها و عناصر مختلف جامعه را به هم پیوند می‌دهد.

■ جامعه اطلاعاتی و مقتضیات آن بسیار فریه‌تر و گسترده‌تر از آن هستند که در قالب‌های رسمی یک دولت قابل تعریف و تحدید باشند.

■ اگر چه تردیدی در تقسیم

بندی جهان آینده میان

تولیدکنندگان (اربابان)

اطلاعات و مصرف‌کنندگان

(رعیت‌ها) اطلاعات نیست و

اگر چه هیچ تردیدی در

هژمونی و سلطه صاحبان

اطلاعات بر دیگران در

جامعه اطلاعاتی نیست، اعتقاد

داشتن به یک گزینه مطلوب و

تلاش همگانی برای تحقق آن

تنها آلترناتیو ممکن برای

جوامعی نظیر ایران است.

به نظر من، جامعه اطلاعاتی و مقتضیات آن بسیار فریه‌تر و گسترده‌تر از آن هستند که در قالب‌های رسمی یک دولت قابل تعریف و تحدید باشند. اما در هر فرض، به عنوان یک «اقدام جدی» و به عنوان «گام نخست» تصمیم و تدبیر دولت می‌تواند رهگشا باشد. به نظر من تصدی‌گری دولت در این عرصه، دوام چندانی نخواهد داشت و یا دست‌کم نمی‌تواند از کارآمدی لازم برخوردار باشد. بنابراین، در این زمینه نیز باید به دنبال نوعی توزیع قدرت و مدیریت بود.

■ یونسکو می‌گوید به دنبال ایجاد جامعه‌ای با محوریت دانایی یا به عبارتی «جامعه معرفتی» است. اما عده‌ای معتقدند با وجود قدرت‌های بزرگ که همواره نیز جزء داراهای اطلاعاتی هستند، این ایده یک آرمان صرف است. ارزیابی جنابعالی در این زمینه چیست؟ یونسکو، مقدمه کتاب تازه منتشر شده

خود را تحت عنوان تمهیدات ورود به قرن ۲۱ با این جمله از گابریل گارسیا مارکز Gabriel Garcia Marquez آغاز می‌کند: «از قرن بیست‌ویکم انتظاری نداشته باش، بلکه این قرن بیست‌ویکم است که هر چیزی را از تو انتظار دارد.» و در ادامه نتیجه می‌گیرد که پرسش‌های سستی کانت - «چه می‌توانم بدانم؟»، «چه باید بکنم؟» و «به چه چیزی می‌توانم امید داشته باشم؟» - می‌باید از یک نقطه نظر آینده - محور، که در بستر آن «من» جای خود را به «ما» داده است، دوباره تنظیم و قاعده‌مند شوند. بنابراین ما دیگر نمی‌گوییم: «چه می‌توانم بدانم؟» بلکه می‌گوییم «چه می‌توانیم بدانیم؟»، دیگر نمی‌گوییم: «چه باید بکنم؟» بلکه می‌گوییم «چه می‌باید بکنیم؟»؛ دیگر نمی‌گوییم: «به چه چیزی می‌توانم امید داشته باشم؟» بلکه می‌گوییم «به چه چیزی می‌توانیم امید داشته باشیم؟»؛ دیگر نمی‌گوییم: «انسان چیست؟» بلکه

می‌گوییم «چه کسانی هستیم؟» و «چه کسانی می‌توانیم بشویم؟». براساس گفته ریچارد رورتی Richard Rorty، پرسش «چه کسی؟»... از طرح یک پرسش بی‌زمان باز ایستاده، و به طرح پرسشی درباره‌ی زمان آینده می‌پردازد. اما این پرسش درباره آینده، نه یک جست‌وجو و تقاضا برای یک پیش‌بینی، بلکه برای یک پروژه است. این پرسش که ما چه کسی هستیم، طریقی برای طرح این پرسش می‌شود که کدام آینده را باید با کوشش و همیاری هم بسازیم؟»

طرح جامعه‌ی معرفتی و دانایی از سوی یونسکو، رابطه‌ای تنگاتنگ با چنین رویکردی دارد. به بیان دیگر، یونسکو از رهگذر طرح جامعه‌ی معرفتی خود، جوامع بشری را به یک همیاری برای ساختن آینده‌ای مطلوب تر دعوت کرده است. به اعتقاد یونسکو، آینده بیش از آن‌که موضوع پیش‌بینی باشد، موضوع «ساختن» است. و این «ساختن» نیز درگرو «خوب اندیشیدن به عنوان اصل اساسی معنویت» و با هم اندیشیدن است. لذا اگر چه تردیدی در تقسیم بندی جهان آینده میان تولیدکنندگان (اربابان) اطلاعات و مصرف‌کنندگان (رعیت‌ها) اطلاعات نیست و اگر چه هیچ تردیدی در هژمونی و سلطه‌ی صاحبان اطلاعات در بر دیگران در جامعه اطلاعاتی نیست، اعتقاد داشتن به یک گزینه‌ی مطلوب و تلاش همگانی برای تحقق آن تنها الگورتاتیو ممکن برای جوامعی نظیر ایران است. باید باور داشت که آینده همان ساختن است، و باید باور داشت که تحقق جامعه معرفتی در گرو اراده‌های معطوف به آگاهی و قدرت ماست.

■ جایگاه فرهنگ‌ها و هویت‌های ملی و بومی در گستره‌ی جامعه‌ی اطلاعاتی چگونه تعریف می‌شود؟

بسیاری بر این اعتقادند که در فضای جامعه‌ی اطلاعاتی، جوامع انسانی در چنان

■ بسیاری بر این اعتقادند که در فضای جامعه‌ی اطلاعاتی، جوامع انسانی در چنان کلاف سردرگمی از نشانه‌ها گرفتار شده‌اند که اهمیت معانی از میان رفته است.

■ همگان باید بر این اصل گردن نهند که «هیچ راه برون رفتی از شرایط موجود، نیست که وضعیت موجود را به چالش نکشد، حتی اگر به این نتیجه منتهی شود که وضعیت موجود بهترین حالت ممکن است.»

کلاف سردرگمی از نشانه‌ها گرفتار شده‌اند که اهمیت معانی از میان رفته است. نشانه‌ها از جهان گوناگون می‌آیند و آن چنان متنوع، متغیر و متناقض‌اند که قدرتشان در معنی بخشیدن محرز نیست. به علاوه، پیام‌گیران به موجوداتی آفرینشگر، خودآگاه و فعال تبدیل شده‌اند به طوری که از همه نشانه‌ها با شک و گمان و چشمانی پرسشگر استقبال می‌کنند و بنابراین نشانه‌ها به سادگی معنایی وارونه به خود می‌گیرند، مورد تفسیر دوباره قرار گرفته و از معنای موردنظر فرستنده، منحرف می‌شوند.

همچنان که آگاهی‌های مردم از تجربه‌ی مستقیم رویدادها کاهش می‌یابد، شواهدی به دست می‌آید که نشان می‌دهد، نشانه‌ها به درستی و صراحت نماینده‌ی چیزی یا کسی نیستند. این عقیده که نشانه‌ها تا حدودی - و نه کاملاً - واقعیت «مستقل از خودشان را بازنمایی می‌کنند، اعتبار آن واقعیت را از میان

می‌برد. به عبارت دیگر نشانه‌ها خود مرجع Self-referential هستند: آنها - شبیه‌سازی‌ها Simulations همه آن چیزی هستند که وجود دارد. آنها در اصطلاح بودریار «ابر واقعیت hyper-reality هستند... در این شرایط ما به عصر «نمایش Spectacle وارد شده‌ایم. در عصر نمایش مردم ساختگی بودن نشانه‌های قابل ارسال را می‌فهمند... و عصری که در آن غیراصیل بودن نشانه‌هایی که مردم خود آنها را به وجود می‌آورند، پذیرفته می‌شود.

بدیهی است که این محیط آکنده از اطلاعات و وانمودها، صرفاً بر رفتار جوامع انسانی تأثیر نمی‌گذارد، بلکه هویت آنان را نیز دستخوش تغییر می‌کند. به تعبیر دیگر، تهدید ناشی از این پدیده جدید صرفاً امنیت ملی (حریم ملی) جوامع انسانی را مورد تعرض قرار نمی‌دهد، بلکه مقدم بر آن «امنیت هستی‌شناختی یا وجودی» (حریم هویتی و فرهنگی) آنان را مورد حمله شالوده‌شکن خود قرار می‌دهد. در این شرایط، هنر بازیگران ملی در آن است که با حفظ حریم و حرمت ملی و بومی خود، در حریم جامعه‌ی اطلاعاتی هوشیارانه نقش‌آفرینی کنند. آنان باید گستره‌ی جامعه‌ی اطلاعاتی را قلمرو اندیشه خود قرار دهند، اما از گستره ملی به عنوان قلمرو تدبیر خود، غافل نشوند. □

دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو: هنوز حضوری معنادار، مشارکت جویانه و عمیق نداریم

"ICT، IT" و ارتباطات یکی از چهار قلمرو اصلی حوزه‌های کاری یونسکو و به تبع آن کمیسیون ملی یونسکو در ایران است.

دکتر احمد توکل، دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو که در دومین روز «از همایش ایران و جامعه اطلاعاتی ۱۴۰۰» شرکت کرده بود، در گفت‌وگوی کوتاهی با رسانه‌ها بیان این مطلب اقدامات این کمیسیون را در ارتباط با تسهیل روند پیوستن ایران به جامعه اطلاعاتی بیان کرد.

وی گفت: ما از سال‌ها قبل و حتی پیشتر از آن‌که IT و ICT اهمیت امروز را پیدا کنند، کمیته ملی ارتباطات را با حدود ۱۵ عضو داشتیم. هفت یا هشت تن از وزراء، قائم‌مقام‌ها یا معاونان آنها، تقریباً تشکیل‌دهنده نیمی از ارتباطات بودند

و نصف دیگر این کمیته را، صاحب‌نظران و شخصیت‌های برجسته علمی و تحقیقاتی کشور در امر ارتباطات از جمله شخص دکتر معتمدنژاد تشکیل می‌دادند.

دکتر توکل اضافه کرد: با توجه به اهمیتی که اطلاع‌رسانی در دنیای امروز پیدا کرده است، اکنون دو کمیته ملی را براساس اساسنامه مصوب دولت در کمیسیون ملی یونسکو داریم. یکی از این کمیته‌ها، همان کمیته ملی ارتباطات است که قبلاً هم فعال بوده است و دیگری، «کمیته اطلاعات برای همه» یا «اطلاع‌رسانی برای همه» که این کمیته هم در کمیسیون فعال است.

دبیر کمیسیون ملی یونسکو، ترکیب افراد تشکیل‌دهنده کمیته اخیر را نیز از مسئولان و متخصصان طراز اول علمی و

تحقیقاتی کشور برشمرد. وی با اشاره به فعال بودن این کمیته اظهار کرد: از فعالیت‌هایی که در قالب این کمیته و کل برنامه‌های کمیسیون ملی یونسکو در ارتباط با اطلاعات، اطلاع‌رسانی و IT انجام می‌شود، انجام پروژه‌های مشترک بین نهادهای مختلف خصوصی و دولتی، برگزاری همایش‌ها و سمینارهای ملی، زیرمنطقه‌ای و منطقه‌ای است؛ در نتیجه در ارتباط با اطلاع‌رسانی، کمیته اخیر، یکی از فعال‌ترین بخش‌ها به منظور انجام تحقیقات و همچنین برقراری ارتباط بین نهادها، وزارتخانه‌ها، مجامع تحقیقاتی و بین‌المللی، به ویژه سازمان یونسکو است.

دکتر توکل در بخش دیگری از این گفت‌وگو در پاسخ به این پرسش که آیا

بودجه خاصی هم از یونسکو برای مباحث مربوط به توسعه IT و ICT در نظر گرفته شده است؟ تصریح کرد: بله، اعتبارات و کمک‌های ریالی را داریم که از کانال‌هایی که کمیسیون ملی یونسکو از آنها تأمین اعتبار می‌شود، طرح را حمایت می‌کنیم، همچنین از برنامه‌های مشارکت بین داخل و خارج که از کمک‌های ارزی یونسکو برخوردار می‌شود، بهره‌مند هستیم.

وی در ادامه درباره میزان ارتباط افراد حاضر در کمیته‌های مورد استفاده در کمیسیون ملی یونسکو در تدوین طرح «تکفا» گفت: این کمیته‌ها در همه جنبه‌های مهم جامعه اطلاعات، اطلاع‌رسانی و IT فعال هستند.

دکتر توکل درباره چشم‌انداز توفیقات «تکفا» نیز اظهار داشت: تلاش‌های زیادی انجام شده است، اما همانگونه که مطرح شده است، از نظر مقررات، جنبه‌های حقوقی، نرم‌افزاری و سخت‌افزاری اطلاعات در کشور، هنوز در آغاز راه هستیم اما با تلاش‌های همه‌جانبه‌ای که از سوی نهادهای مختلف دست‌اندرکار طرح صورت می‌گیرد، شخصاً آینده این طرح را امیدوارکننده و مثبت می‌بینم.

دبیر کمیسیون ملی یونسکو، همچنین با اشاره به این‌که ما مشکلات خاص خود را با توجه به ویژگی‌های کشورمان داریم گفت: در حال حاضر، پس از حرکتی که به منظور ریشه‌کن کردن بی‌سوادی انجام دادیم به دنبال شعار نه تنها «آموزش برای همه» بلکه «آموزش عالی برای همه» هستیم. تلاش در راه سواد برای همه،

■ دکتر توکل دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو: ما در حال ورود به شبکه اطلاع‌رسانی نوین هستیم اما نه با حضوری معنادار مشارکت‌جویانه و عمیق، متأسفانه ما از فرم‌های اطلاع‌رسانی نوین استفاده می‌کنیم اما هنوز نتوانسته‌ایم محتوای اطلاعاتی را بروی سیستم بگذاریم.

آموزش برای همه و آموزش عالی برای همه، همچنین بسط سیستم‌های اطلاع‌رسانی جدید به عنوان محتوا و فرم مطرح هستند، اما اشکال برای آن مطرح می‌شوند که ما ان‌شاءالله بتوانیم به سوی محتوای جامعه اطلاعاتی برویم. ما برنامه‌ریزی‌هایی را علاوه بر عمومی کردن آموزش عالی در راه ایجاد سوادهای حرفه‌ای و تکنیکال داریم که در برنامه سوم پیش‌بینی شده است، همین‌طور، با تمهیداتی که در ارتباط با (IT) جدید به عنوان کانالی که بتواند این اهداف را تحقق بخشد، اندیشیده شده و امیدوار هستیم که به سمت و سوی، «Knowledge Society» حرکت کنیم، گرچه هنوز با آن فاصله داریم.

دکتر توکل در پاسخ به سؤال دیگری

درباره مهم‌ترین موانع ورود ایران به جامعه اطلاعاتی گفت: ما با دو مشکل اساسی مواجه هستیم، یکی موانع حقوقی و قانونی است که در پیش پای کشوری کم‌سابقه در این زمینه وجود دارد. ما با مقررات سفت و سخت جهانی مواجه هستیم. حتی یکی از موضوعات مورد بحث در آخرین نشست شورای اجرایی یونسکو از سوی کشورهای نظیر ما این بود که خدای ناکرده مجموعه مقررات جهانی اطلاع‌رسانی وضع نشود که روی ما فشار بیاورد، یا ما را در بهره‌مندی از امکانات جهانی به لحاظ فاصله‌ای که از نظر تکنولوژیکی کشورهای پیشرفته داریم، محدود کند.

نکته بعدی که جای نگرانی دارد این است؛ درست است که ما در حال ورود به شبکه اطلاع‌رسانی نوین هستیم اما نه با حضوری معنادار مشارکت‌جویانه و عمیق، متأسفانه ما از فرم‌های اطلاع‌رسانی نوین استفاده می‌کنیم اما هنوز نتوانسته‌ایم محتوای اطلاعاتی را بروی سیستم بگذاریم. این وظیفه دولت و حتی بخش‌های خصوصی است که سعی کنند حضور ما را به لحاظ اشتراک محتوایی در شبکه‌های اطلاعاتی بیشتر کنند.

دکتر توکل در پایان چشم‌انداز آینده ورود ایران به جامعه اطلاعاتی را با توجه به آنچه آن را رشد سریع و جاذبه این مبحث برای ایرانیان و احساس دلسوزی مسئولان رده بالا در استفاده از کاربری‌های این حوزه برای کشور می‌نامید، مثبت ارزیابی کرد گفت: امیدوارم بتوانیم قدم‌های خوبی در این زمینه برداریم. □

دکتر علی اصغر کیا:

نگاه ما به تکنولوژی های اطلاعاتی باید تغییر کند

■ دکتر علی اصغر کیا مدیر گروه ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی: در کشور ما متأسفانه اول تکنولوژی وارد می شود، سپس به سراغ فرهنگ سازی می رویم؛ که این امر خود به ایجاد چالش هایی منجر می شود.

مدیر گروه ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، زیرساخت های تکنولوژیک را یکی از مهم ترین قلمروهای جامعه اطلاعاتی معرفی می کند.

دکتر علی اصغر کیا، که در همایش، ایران و جامعه اطلاعاتی در سال ۱۴۰۰ مقاله خود را ارائه کرده است در گفت و گو با رسانه با بیان این که در جامعه اطلاعاتی زیرساخت های تکنولوژیک و رسانه های متعامل گسترش پیدا می کنند از این رسانه ها به عنوان ابزار جامعه اطلاعاتی یاد می کند.

دکتر کیا با اشاره به مشکلات و موانع ورود ایران به جامعه اطلاعاتی می گوید: ما هم در بحث پذیرش و هم در دیدگاه های موجود نسبت به این جامعه با مشکلاتی مواجه هستیم. چنانچه نحوه نگاه به اینترنت و ماهواره نیز از همین مقوله است. ما از دهه ۷۰ تلاش کرده ایم برنامه ریزی کنیم و اینترنت را در مدارس، دانشگاه ها، مراکز اداری و حتی تجاری به کار بگیریم. درباره ماهواره نیز سعی کردیم از جنبه های مثبت و آموزشی آن استفاده کنیم، اما با این حال در حالی که به سمت اواسط دهه ۸۰ حرکت می کنیم هنوز جایگاه خود را مشخص نکرده ایم و نمی دانیم به چه سمتی حرکت می کنیم و می خواهیم به کجا برویم.

وی در عین حال می گوید که ما نخواستیم نکات مثبت این تکنولوژی ها

را دریابیم و نگاهمان همواره منفی بوده است؛ چنانچه در بحث تهاجم فرهنگی بیشتر اثرات سیاسی - اجتماعی را می بینیم و کمتر به سراغ تأثیرات علمی و فنی آن می رویم؛ به همین دلیل نیز برنامه ریزی ما براساس همان دیدگاه های محدودکننده بوده است.

دکتر کیا در ادامه می گوید: ما در دهه ۶۰ نه تنها به دنبال توسعه این تکنولوژی ها نبوده ایم، بلکه حتی موانع گسترش آنها را نیز فراهم کرده ایم در حالی که کشورهای اروپایی که به همین دلایل فاصله ای حدود ۱۰ سال را با ایالات متحده و استرالیا در تجهیز به تکنولوژی اطلاعاتی تجربه کرده اند از سال ۹۵ به بعد به سمت تغییر شرایط حرکت کرده اند.

وی معتقد است که نگاه ها و دیدگاه ها نسبت به جامعه اطلاعاتی باید تغییر کند. مدرس دانشگاه علامه طباطبائی در پاسخ به این پرسش که «آیا در جامعه اطلاعاتی باز هم شاهد حضور دو قطب داراها و ندارها خواهیم بود؟ اظهار می دارد: راجرز در کتاب *تکنولوژی های ارتباطی خود پیش بینی کرده است حتی در جامعه اطلاعاتی نیز دو طبقه متضاد شکل می گیرد؛ کسانی که توانا هستند و امکانات و دارایی بیشتری دارند و در مقابل کسانی که با محدودیت های مالی مواجه اند و کمتر از مواهب این جامعه برخوردار می شوند.*

اما وی در عین حال معتقد است که

دولت با سرمایه گذاری های خود، همچنین بخش خصوصی در این زمینه می توانند فضای مناسب را برای بهره مندی افراد طبقات پایین نیز فراهم کنند؛ تا زمانی که تکنولوژی به تولید انبوه برسد، مانند تلفن.

دکتر کیا با تأکید بر نقش جامعه دانشگاهی به عنوان نخستین پذیرندگان تکنولوژی در عرصه اطلاعات و ارتباطات در ایران معتقد است که این قشر می تواند فرهنگ سازی های لازم برای ورود به جامعه اطلاعاتی را فراهم کند.

وی در ادامه می افزاید: در کشور ما متأسفانه اول تکنولوژی وارد می شود، سپس به سراغ فرهنگ سازی می رویم؛ که این امر خود به ایجاد چالش هایی منجر می شود؛ در واقع ما به غلط تکنولوژی را به جبر جهانی وارد می کنیم نه براساس نیازها و ضرورت های زندگی اجتماعی خود، اما جامعه دانشگاهی می تواند با پیش قدم شدن در این زمینه و ایجاد مراکز تحقیقاتی و رسانه ای هم نگاه ها را تغییر دهد و هم به مسئولان در برنامه ریزی درست کمک کند.

وی در پایان با مثبت ارزیابی کردن چشم انداز ورود ایران به جامعه اطلاعاتی می گوید: اگر سرمایه گذاری بیشتری روی بحث تحقیقات انجام شود، روند رو به رشدی را در این زمینه شاهد خواهیم بود. □

دکتر حسام‌الدین آشنا:

دیر آمده‌ایم، زود هم می‌خواهیم برویم

■ حجت‌الاسلام والمسلمین حسام‌الدین آشنا عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق(ع): ورود جامعه‌ای که تکلیف خود را با آزادی اطلاعات به‌طور روشن بیان نکرده است به عرصهٔ جامعهٔ اطلاعاتی، خیلی معنای مشخصی ندارد.

عرصهٔ اطلاعات تفاوت‌های نگرشی بسیار جدی وجود دارد طبیعی است که به یک سیاستگذاری منسجم و یکپارچه منجر نخواهد شد.

عضو هیأت علمی مرکز مطالعات فرهنگ و ارتباطات در دانشگاه امام صادق(ع) در پاسخ به این پرسش که راهکاری که شما پیشنهاد می‌کنید، چیست، گفت: معمولاً در این موارد توصیه می‌شود که ما هیچ چیز را مقدم بر چیز دیگر نکنیم، همزمانی در این قضیه بسیار مهم است.

ما نگران این هستیم که چون دیر آمده‌ایم باید زود برویم. چون فکر می‌کنیم که از مواهب جامعهٔ اطلاعاتی برخوردار نشده‌ایم باید با عجلهٔ بیشتر به آن بپردازیم. حرف من خیلی ساده است من می‌گویم جای خالی جامعه‌شناسان، ارتباط‌شناسان و فرهنگ‌شناسان در طرح ملی تکفا به شدت مشاهده می‌شود. بیاییم و جای فرهنگ و جامعهٔ نو را هم در این طرح روشن کنیم، این حرف من است. □

بیشتر به همان شکل مهندسی است. نتیجهٔ این امر، این شده که ما تمام هزینه‌های ورود به جامعهٔ اطلاعاتی را پرداخته‌ایم اما از مواهب آن برخوردار نشده‌ایم.

وی اظهار کرد: اگر دقت کنید، می‌بینید شاید در حال حاضر، نسل چهارم رایانه‌های خریداری شده در ادارات دولتی ما در حال خارج شدن از رده هستند؛ به‌طور متوسط هم عمر تجهیزات رایانه‌ای در سازمان‌ها، کمتر از پنج سال بوده است پس می‌بینید که هزینه‌های بسیاری صرف شده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین آشنا افزود: نگرانی که من ابراز کردم به انتحاء مختلف در سایر مقالات هم بیان شد؛ ورود جامعه‌ای که تکلیف خود را با آزادی اطلاعات یا بیان روشن نکرده است به عرصهٔ جامعهٔ اطلاعاتی، خیلی معنای مشخصی ندارد.

وقتی بین سطوح بالای حاکمیت در تعریف محدودیت‌ها و مقدرات ملی در

حجت‌الاسلام والمسلمین حسام‌الدین آشنا، که یکی از انتقادی‌ترین مقالات را در همایش ایران و جامعهٔ اطلاعاتی ۱۴۰۰ ارائه داد نیز در گفت‌وگوی کوتاهی با رسانه به بیان دیدگاه‌های خود پرداخت.

عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق(ع) گفت: در واقع، نگرانی بیان شده در مقاله با یک تجربهٔ تاریخی در کشور ما مرتبط بود؛ سخن اصلی من این بود که ما معمولاً با مفاهیم جامعهٔ اطلاعاتی، بیشتر از دیدگاه تکنولوژیک برخورد کرده‌ایم و سخت‌افزار و وجود تجهیزات را به معنای برخورداری از مواهب جامعهٔ جدید گرفته‌ایم. حرف من این بود که به نظر می‌رسد رده‌ن و تصمیمات سیاستگذاران، همواره این دیدگاه حاکم بوده است.

این مدرس دانشگاه افزود: علت این امر هم این است که معمولاً ورود به عرصهٔ سخت‌افزار و تجهیزات معمولاً به وسیلهٔ مهندسان انجام شده است و نگاه مهندسان هم به موضوع، یک نگاه جامع نیست بلکه

دکتريونس شکرخواه: ترجیح می‌دهم بین تکنولوژی و اطلاعات، شیفتهٔ دومی باشم

در دههٔ ۴۰ است یا بروز ارتباطات ماهواره‌ای در دههٔ ۵۰ یا تولید اینترنت در سال ۱۹۶۹ اگر آرپانت Arpanet را معنا بگیریم یا پیدایش نیمه‌هادی‌ها در دههٔ ۷۰ یا پیدایش کامپیوترهای شخصی در دههٔ ۸۰ و یا شاید هم دسترسی به محیط‌های وب Web در دههٔ ۹۰، پاسخ به این پرسش به معناداری هر یک از این تاریخ‌ها برای ما بستگی دارد و من فکر می‌کنم رگ و ریشهٔ ما برای رویارویی با چالش‌های جامعه اطلاعاتی یا فرصت‌های آن به همین دهه ۹۰ برمی‌گردد.

عضو شورای سردبیری کتاب هفته دربارهٔ این که از تقاطع ورود جامعه‌ای که هنوز عصر صنعتی را پشت سر گذاشته به جامعهٔ اطلاعاتی چه اتفاقاتی به وقوع می‌پیوندد اظهار داشت: این پرسش در واقع تأیید حرف‌های من است، حدود ۲۵۰ سال از دوره انقلاب صنعتی می‌گذرد

Frank Webster پنج نوع جامعهٔ اطلاعاتی را شناسایی می‌کند. از نظر او پنج جامعهٔ اطلاعاتی مزبور، تکنولوژیک، اقتصادی، شغلی، مکانی و فرهنگی هستند و خود او هم بلافاصله اعتراف می‌کند که نمی‌توان قاطعانه به یک طبقه‌بندی دست زد. علاوه بر این، اگر حرف‌های دانیل بل Daniel Bell را در سال ۱۹۷۳ در نظر بگیریم یعنی همان کتاب معروفش را که از رسیدن جامعهٔ فراصنعتی خبر می‌دهد، باز هم نمی‌توانیم مبنای محکمی برای آنچه به راحتی ورود به جامعه اطلاعاتی مطرح می‌شود، پیدا کنیم.

وی افزود: بنابراین ملزومات چنین ورودی هم برای هر جایی، جواب‌های خاص خودش را دارد؛ من فکر می‌کنم این پرسش ابتدا باید پیشینهٔ تاریخی خود را اعلام کند؛ آیا منظور ما ظهور کامپیوترها

رگ و ریشهٔ ما برای رویارویی با چالش‌های جامعهٔ اطلاعاتی و یا فرصت‌های این جامعه به همین دههٔ ۹۰ برمی‌گردد و هر چه سواد اطلاعاتی ما در این دهه عمق یافته، به همان نسبت برای ورود به جامعهٔ اطلاعاتی آماده‌ایم.

یونس شکرخواه، روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه نیز یکی دیگر از ارائه‌کنندگان مقاله در همایش «ایران و جامعهٔ اطلاعاتی ۱۴۰۰» است که در حاشیهٔ این همایش به پرسش‌های «رسانه» پاسخ می‌گوید:

وی در پاسخ به پرسشی دربارهٔ ملزومات و زیرساخت‌های مورد نیاز جامعهٔ ایرانی برای ورود به جامعهٔ اطلاعاتی و میزان اختیار یا الزام ما برای این ورود با بیان مطلب یاد شده گفت: البته اول باید بفهمیم منظورمان از جامعهٔ اطلاعاتی چیست. فرضاً فرانک ویستر



■ هر چه سواد اطلاعاتی ما در این دهه عمق یافته باشد، به همان نسبت برای ورود به جامعه اطلاعاتی آماده‌ایم. ■ حدود ۲۵۰ سال از دوره

انقلاب صنعتی می‌گذرد و در این فاصله بن‌بست شکنی‌های عظیمی از نظر تکنولوژیک در حوزه‌های تولید انبوه، قدرت، حمل‌ونقل و ارتباطات رخ داده است، اما این تکنولوژی‌های ارتباطی هستند که حرف اول را می‌زنند.

■ اگر فکر کنیم فقط تجهیز و هر چه تکنولوژیک‌تر شدن ما را به ساحل خواهد رساند، یک اشتباه بزرگ مرتکب شده‌ایم.

است. شما راجع به این جمله چه نظری دارید: توانا بود هر که دانا بود.

ببینید این جمله زمانی ترجمان خراسانی فردوسی‌وار دارد و یک وقت یک ترجمه ایرانی‌گونه دارد، زمانی هم ما بدون این‌که بدانیم این جمله را داریم، دنبال یک جمله یا مفهوم وارداتی در این زمینه هستیم و با واردات آن باید الحاقات و الزامات آن را نیز وارد کنیم. قبول دارید که تکنولوژی‌های خاص، تغییرات اجتماعی خاص خود را هم ایجاد می‌کنند. آیا منظور ما از تکنولوژی، روند داده، اطلاعات، دانش است که می‌دانید در این روند خطی، داده‌ها اطلاعات خام هستند، اطلاعات داده‌های پردازش شده‌اند و دانش، اطلاعات ادغام شده. اما پرسش من این است که خرد چیست؟

وی ادامه داد: پس باز هم می‌بینید که فرمول جامعه دانایی محور یونسکو هم

و در این فاصله، همانطور که می‌دانید بن‌بست شکنی‌های عظیمی از نظر تکنولوژیک در حوزه‌های تولید انبوه، قدرت، حمل‌ونقل و ارتباطات رخ داده است، اما همانگونه که شاهد هستید، این تکنولوژی‌های ارتباطی هستند که حرف اول را می‌زنند و این هم در همین ۲۰ یا ۳۰ سال اخیر است که تا حدودی غرب از دوره انقلاب صنعتی خود فاصله می‌گیرد و به ویژه پیدایش IT الان هم ICT است که حکم نیروی غالب را در این تحولات ایفا می‌کند.

شکرخواه گفت: در واقع یک «پارادایم شیفت» عجیب و غریب ما را در قبال دو مفهوم اطلاعات و تکنولوژی به یک آشفتگی بی‌سابقه دچار می‌سازد. به نظر من این که چه اتفاقی به وقوع می‌پیوندد درگرو این است که ما چطور با این پدیده‌ها فتیشیسمی Fetishism برخورد کنیم. اگر فکر کنیم فقط تجهیز و هر چه تکنولوژیک‌تر شدن ما را به ساحل خواهد رساند، یک اشتباه بزرگ مرتکب شده‌ایم. مثل این می‌ماند که به ما یک چاپخانه خیلی مدرن بدهند و ما چیزی برای چاپ در آن نداشته باشیم، من شخصاً ترجیح می‌دهم بین این دو ساحره فعلی یعنی تکنولوژی و اطلاعات شیفته دومی باشیم.

وی در ادامه درباره اشاره به ورود به یک جامعه دانایی محور یا معرفتی به عنوان هدفی که برای دسترسی به جامعه اطلاعاتی ترسیم شده است گفت: شعار جامعه دانایی محور یک شعار خوب

یک فرمول طلایی نیست، من قبول دارم و گفتم که قبول دارم، پارادایم شیفت کنونی عمدتاً به دو مقوله تکنولوژی و اطلاعات همراه است اما فکر می‌کنم این دو مفهوم در شکل‌های خام، عملیاتی نشده و انطباق داده نشده با وضعیت خودمان، خیلی گره‌گشا نخواهد بود. ضمن این‌که اجازه بدهید صادقانه اعتراف کنم که از بحث «اطلاعات» بدون بحث درباره «تولید» کمی می‌ترسم.

شکرخواه در بخش دیگری از این گفت‌وگو در ارزیابی «طرح تکفا» نیز گفت: از این طرح عمیقاً اطلاع دارم. متن آن را هم Save کرده‌ام، و خوانده‌ام. روی کاغذ بسیار جامع است، باید دید هنگام اجرا با چه مکانیزم‌هایی نظارت خواهد شد و چگونه یک سیستم مبتنی بر پسر فرست Feed Back را ایجاد خواهد کرد تا اشکالات، ضمن اجرا، رفع شوند.

این روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه همچنین درباره مهم‌ترین موانع بهره‌مندی از مواهب جامعه اطلاعاتی گفت: اصلی‌ترین مانع بهره‌مندی را عدم تولید اطلاعات از جانب خودمان می‌دانم، علی‌القاعده نیل به جامعه اطلاعاتی و به عبارت بهتر، دسترسی به آن به روند مصرف دامن خواهد زد ولی به روند تولید چطور؟ تکرار می‌کنم که بحث فقط دسترسی به سخت‌افزارها و تجهیز تکنولوژیک نیست، این کار به لوله‌کشی سراسری در یک شهر شبیه است منتها سؤال اینجاست، منبع آب کجاست و از کجا پر می‌شود؟ □